

سُورَةُ الْعَنْكَبُوتِ ۲۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام یگانه خدای جهان که بخشایش و مهر او بی‌کران

الم

﴿۱﴾

از سوی خالق بود رمزی عظیم که بخوانده او الف، هم لام و میم
أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ

﴿۲﴾

می‌کنند آیا گمان این مردمان؟ که اگر گویند شدیم از مؤمنان
فارغ آیند جملگی اندر جهان؟ از بلایا، همچنین از امتحان؟
وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ^ط فَلْيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلْيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ

﴿۳﴾

آزمودیم همچنین ما بس گران در قدیم و ماسبق خلق جهان
تا خدا معلوم کند کیست راستگوی یا چه کس کاذب بود در گفتگوی
أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا^ج سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ

﴿۴﴾

باز پندارند چنین نابخردان؟ زان بدی‌ها که نمودند در جهان
قادرند پیشی بگیرند از خدا؟ در قضاوت جاهلند و پرخطا

مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ



هر که دارد بر لقای حق امید پس بداند هر چه حق داده وعید
بر یقین و قطع آید در شمار هست سمیع و هم علیم پروردگار

وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ



هر که در راه خدا کوشش کند سود آن کوشش برای وی بود
بی‌نیاز باشد خدای دو جهان از عبادت‌ها که آرند مردمان

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ



آن کسانی که بوند مؤمن به حق کارشان با کار صالح مُنطبق
پاک سازیم ما گناهانشان یقین اجر ایشان را دهیم والاترین

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا ۚ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ



توصیه ما نیز نمودیم بر بشر که کنند نیکی به مادر هم پدر
والدین لیکن اگر آرند جدال که بورزی شرک به ذات ذوالجلال

پس بر ایشان تو نباش از تابعان چون که ورزند کفر بر ربّ جهان
سوی من بازگشتان باشد یقین در قیامت، یعنی اندر یوم دین
می‌کنم از کرده‌ها آگاهتان هم ببینید نیز جزای کارتان

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ



آن کسان که بر خدا ایمان برند همچنین اعمال صالح آورند
بر بهشت در می‌گشاییم بهرشان وارد آیند در صفِ شایستگان

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ وَلَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ مِّنْ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ ؕ أُولَٰئِكَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ



بر زبان رانند این‌سان گفتگوی برخی افراد منافق و دوروی
که بیاوردیم ایمان بر خدا لیک اگر بینند از مردم جفا
یا اگر در راه حق رنجی برند رنج را همچون عذابش بشمرند
گر که بینند نصرتی از کردگار پس بگویند از ریا و آشکار
با شما بودیم ما هم، مؤمنین! در غنائم ما شریکیم اجمعین
نیست آگاه آن خداوند و دود؟ از درون سینه‌ها بود و نبود

وَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ



می‌شناسد حق گروه مؤمنین هم شناسد او منافق، اهل کین

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلْنَحْمِلْ خَطَايَاكُمْ وَمَا هُمْ بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايَاهُمْ مِنْ شَيْءٍ ؕ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

کافران گفتند چنین بر مؤمنان پیروی از ما کنید و کیشمان
 گر چنین پندی ز ما آرید گوش بارتان را ما بگیریم روی دوش
 نیستند قادر که جرم خود کشند پس دروغ گویند و ایشان کاذبند

وَلِيَحْمِلُنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَثْقَالًا مَعَ أَثْقَالِهِمْ^ط وَلَيُسْأَلُنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ

بار سنگینی کنند حمل کافران از وبال خویش و وزیر دیگران
 در قیامت سخت پرسیده شوند از دروغ و ناپسند که بافته‌اند

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ
 وَهُمْ ظَالِمُونَ

ما فرستادیم نوح بر پیغمبری تا کند او قوم خود را رهبری
 عمر او از حکمت ذات و دود از هزار سال کمتر از پنجاه بود
 ظلم کردند تا به آخر قوم نوح گشته مغروق بعد طوفان بالوضوح

فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ وَجَعَلْنَاهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ

ما رهان‌دیم او و اصحابش تمام هر که در کشتی گرفته بود مقام
 هم رساندیم جملگی سالم زمین عبرتی بر اهل عالم شد چنین

وَأِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ^ط ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

هم به یاد آر! آن زمان که ابرهیم داد به قوم خویش هشدار و بیم
گفت پرستید و پرهیزید تمام زان خداوند دو عالم، حدّ تام
این بود بر خیرتان ای مردمان! گر بفهمید و شوید آگه از آن

إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا ۚ إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ ۚ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

﴿۱۷﴾

پس بدانید آنچه را غیر از اله که پرستید روی جهل و از گناه
نیست جز اینکه بساختید آن بتان از ره کذب و دروغ، پرداخته آن
آنچه را از بهر خود ساختید خدا نیستند قادر دهند رزق بر شما
از خدا آرید طلب، روزی خویش هم سپاس ذات او آرید پیش
از ره شکرش رسید بر عافیت سوی او رجعت نمایید عاقبت

وَإِنْ تَكْذِبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِّنْ قَبْلِكُمْ ۖ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ

﴿۱۸﴾

گر رسول! تکذیب تو آرند کنون این چنین بوده به ماقبل در قرون
یعنی آنچه ما فرستادیم رسل کرده تکذیب جمله اُمّت ها به کل
نیست تکلیف بر رسول کردگار جز مگر ابلاغ کند او آشکار

أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِي اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ۚ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ

﴿۱۹﴾

هیچ ندیدند که چه سان پروردگار؟ می کند خلقت همی آغاز کار
بهر آنها رجعتی سازد دگر کل مخلوقات به سوی دادگر
این چنین کار بر خداوند جهان هست آسان و کند تکرار آن

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

﴿٢٠﴾

ای پیمبر! گو، که بر روی زمین
نیک نظاره آورید بر هر چه رُست
پس یقین آرید نیز بر عاقبت
هست آگه ذاتِ رحمان و رحیم
سیر نمایید بهر ایمان و یقین
که چگونه کرده خلقت در نخست
بر جهانِ دیگر و آن منزلت
هم توانا بر همه چیز و علیم

يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ

﴿٢١﴾

هر که را خواهد نماید او عذاب
هم کند رحمت اگر خواهد کریم
رجعتان جملگی هست سوی او
کاین بود فرجام کار بی گفتگو
که بود از عدل و از روی حساب
بهر هر کس ذاتِ رحمان و رحیم

وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَلَافِي السَّمَاءِ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

﴿٢٢﴾

نیستید قادر کنید عاجزِ اله
هم ندارید هیچ پناهی جز خدا
در زمین و آسمان نیز هیچ‌گاه
سرپرست و یاورى در دو سرا

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَٰئِكَ يَئِسُوا مِن رَّحْمَتِي وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

﴿٢٣﴾

آن گروهی که به آیاتِ خدا
کفر ورزند، جمله باشند ناامید
و به دیدارش در آن روز جزا
گشته‌اند از رحمتِ حق بس بعید
باشد آن فرجامشان اندر جحیم
که عذابی سخت بینند و آلیم

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ فَأَنْجَاهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

﴿۲۴﴾

لیک جواب جز این نداد قوم ذلیل که کشیم و هم بسوزانیم خلیل
داد نجاتش حق ز آتش آن چنان که بشد یک عبرتی بر مؤمنان

وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَّوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۖ ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ وَيَلْعَنُ بَعْضُكُم بَعْضًا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ نَّاصِرِينَ

﴿۲۵﴾

پس بفرمود او به قوم پُر خطا برگرفتید این بتان جای خدا
شد اساس اُلفت اندر بینتان این چنین اوهام و این گونه بُتان
روز رستاخیز کفر ورزید به هم بعضی از بعضی شوید بیزار هم
لعن بنمایید آنکه یکدگر وقتی گشتید در جهنم مستقر
هیچ نبینید یآوری اندر جحیم تا ابد در آتش و آنجا مقیم

﴿۲۵﴾ فَأَمِّنْ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي ۖ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

﴿۲۶﴾

بعد آنکه لوط شد مؤمن به او آن نبی، این گونه بنمود گفتگو
که کنون هجرت همی خواهم نمود سوی ربّ العالمین و آن ودود
او که می باشد عزیز و هم حکیم عالم و فرزانه هست ذات رحیم

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ وَآتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا ۚ وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ

﴿۲۷﴾

بر خلیل ما نیز بدادیم دو پسر اولی اسحاق و یعقوب آن دگر
هم قرار دادیم اندر نسل او از نبوت، وز کتاب، آیاتِ هو
اجر و پاداشِ نکو اندر جهان همچنین در آخرت از صالحان

وَلَوْ طَا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ

﴿۲۸﴾

لوط تحکم کرد بر قومش شدید که شما کاری نمایید بس پلید
هیچ کسی سبقت نیاورد در جهان بر شما زین کار زشت اندر عیان

أَنتُمْ لَتَأْتُونَ الرَّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيَكُمُ الْمُنْكَرَ ۖ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ
إِلَّا أَنْ قَالُوا ائْتِنَا بِعَذَابِ اللَّهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

﴿۲۹﴾

چون شما دارید تمایل بر رجال راه سالم را ببستید از وبال
می‌گزینید مرد با مرد دُورِ هم با چنین کاری کنید بر هم ستم
زین عمل هرگز نمی‌ورزید حیا دائماً تکرار نمایید هر کجا
در جوابِ آن نبی، قومِ ذلیل کرده استهزاء به جای هر دلیل
باز گفتند گر تو راستگویی، کنون از عذاب حق نشان ده گونه‌گون

قَالَ رَبِّ انصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ

﴿۳۰﴾

گفت نصرت ده مرا ای ربّ دین! بر چنین قومِ پلید و مفسدین

وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَىٰ قَالُوا إِنَّا مُهْلِكُوا أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ ۖ إِنَّ أَهْلَهَا كَانُوا
ظَالِمِينَ

﴿۳۱﴾

چون بر ابراهیم پیغام‌آوران گشته وارد با بشارت‌ها چنان
 همچنین گفتند کاین اهل دیار بر هلاکت می‌نماییم تار و مار
 اهل این قریه بوند از ظالمان جمله را نابود بسازیم این زمان
 قَالَ إِنَّ فِيهَا لُوطًا قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهَا لَنَنْجِيَنَّهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ

﴿۳۲﴾

در جواب، مضطر بگردید ابرهیم این‌چنین فرمود او از روی بیم
 که بود لوطِ نبی آنجا مقیم پس بگفتندی که ما خود آگهیم
 او و اهلش را رهانیم از بلا جز زنش که ماند اندر ابتلا
 وَلَمَّا أَنْ جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالُوا لَا تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ ۖ إِنَّا مُنْجُونَكَ وَأَهْلَكَ إِلَّا امْرَأَتَكَ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ

﴿۳۳﴾

تا که بر لوط آن سفیران آمدند مضطرب شد که نبینند هیچ گزند
 تا بدیدند اندر او این اضطراب پس نمودند بر وی این‌گونه خطاب
 که به دل هرگز مده اندوه و بیم چون ز این مردم نجات می‌دهیم
 تو و اهلت را رهانیم از بلا لیک زنت باید که بیند ابتلا

إِنَّا مُنْزِلُونَ عَلَىٰ أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ

﴿۳۴﴾

ما فرود آریم عذاب از آسمان بر سر این شهر و مردم ناگهان
 چون نمودند این فساد بی‌واهمه از چنین فسقی نمودند مظلومه

وَلَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا آيَةً بَيْنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

﴿۳۵﴾

پس قرار دادیم آثار و نشان درس عبرت از برای عاقلان

وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَارْجُوا الْيَوْمَ الْآخِرَ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ

﴿۳۶﴾

سوی مدین ما فرستادیم شعیب
گفت پرستید آن خدای دو جهان
بر قیامت داشته باشید اعتقاد
در زمین هرگز نرانید هیچ فساد

فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ

﴿۳۷﴾

لیک تکذیبش نمودند آن گروه
جمله مُردند در درونِ خانه‌ها
صاعقه بگرفت ایشان در وجوه
جسمشان چسبید بر ویرانه‌ها

وَعَادًا وَثَمُودَ وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ مَّسَاكِينِهِمْ^ط وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ

﴿۳۸﴾

همچنین آن فرقه‌ی عاد و ثمود
تا ببینید کاخشان گشته خراب
داده جلوه کارشان را اهرمن
گشت مانع تا نپویند راهشان
بر شما روشن کنیم از آنچه بود
عبرتی باشد از این آیاتِ ناب
نیک و زیبا دیده افعالِ محَن
این همه می‌بود به رُغمِ دیدشان

وَقَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ^ط وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ

﴿۳۹﴾

بعد از آن قارون و فرعونِ عدو همچنین هامان، پلیدِ زشت‌خو
سوی ایشان موسی آمد با وقار تا هدایت بخشد او بر کردگار
سرکشی کردند بی‌حد در زمین لیک نگشتند بر خدا غالب یقین

فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذَنْبِهِ فَمِنْهُمْ مَنٌ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَنٌ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَ مِنْهُمْ مَنٌ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَ مِنْهُمْ مَنٌ أَغْرَقْنَا وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

﴿۴۰﴾

کیفری دادیم به اقوامِ پلید در قبال آن گناهانِ شدید
برفرستادیم آنگاه بی‌درنگ بر سرِ ایشان بارانی زِ سنگ
برخی دیگر بر عذابی که در آن صیحه‌ای آمد قوی از آسمان
جمعی دیگر زلزله روی زمین بر هلاکت آمده قوم، اجمعین
هم گروهی از عذابی آشکار غرقه‌ی دریا بگشتند تار و مار
این، ستم از حق نبوده بالیقین بلکه ظلم کردند بر خود ظالمین

مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا ۖ وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

﴿۴۱﴾

قصه‌ی آنهاست همچون این مثال گر کسی یاور بجست جز ذوالجلال
یعنی باشد در مثلِ چون عنکبوت که بسازد بهرِ خود کاخ و بیوت
این‌چنین خانه بود از سست‌ترین عنکبوت نیست در پناه آن یقین
هست مطابق کارشان با این مثل گر که رفتند بر خطایا در عمل

إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ ۚ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

﴿۴۲﴾

حق بداند آنچه را روی مجاز اختیار کردید به جز آن کارساز

آگه و بیناست رحمان و رحیم مقتدر باشد، عزیز و هم حکیم
وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ ۖ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ

﴿۴۳﴾

این مثل‌ها بهر خلق، ما می‌زنیم لیک نفهمد جز خردمند و فهیم
خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ

﴿۴۴﴾

آفرید یزدان، سماء و هم زمین روی حق و روی حکمت همچنین
کان بود آیات روشن در جهان بهر آنان که شدند از مؤمنان
أَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ ۖ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ ۚ
وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ

﴿۴۵﴾

کن تلاوت ای رسول! آیات ناب زانچه بر تو وحی گردید در کتاب
با نمازت سوی حق بگشای باب که ز هر فحشا دهد آن اجتناب
همچنین از منکر و اعمال پست ذکر یزدان از همه اعلا تر است
هست آگه ذات ایزد در جهان بر همه نیات و هم اعمالتان
وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ۚ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ ۖ وَقُولُوا آمَنَّا
بِالَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْكُمُ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ

﴿۴۶﴾

پیش نیارید گفتگو را با جدال باشید با اهل کتاب نیکو خصال
مستدل گوئید سخن، بالاتفاق جز که بر ظالم و یا اهل نفاق

یعنی بر صاحب کتابان قدیم که بشد مُنتج به قرآن کریم
 هم بگویند که بداریم ما قبول هر چه آمد آیه‌ها سوی رسول
 هست واحد بالیقین خلاقمان جملگی باشیم همه از مُسلّمان
 وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ ۚ فَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ ۖ وَمِنْ هَؤُلَاءِ مَنْ يُؤْمِنُ
 بِهِ ۚ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ

﴿۴۷﴾

این‌چنین نازل بکردیم با اصول جمله آیات را به سوی تو رسول!
 هر که با ایمان بود ز اهل کتاب بر قبولش هست این آیات ناب
 همچنین دارند گرایش در نهان برخی از این فرقه‌های کافران
 می‌کنند انکار حق آنگاه نیز چون که غرقابند در کُفر و ستیز
 کس نباشد مُنکر آیاتمان جز کسانی که بوند از کافران
 وَمَا كُنْتُمْ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكُمْ ۖ إِذَا لَارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ

﴿۴۸﴾

ای نبی! تو اُمّی بودی پیش از این که بخوانی یا که بنویسی چنین
 گر به یمن این کتاب مستطاب علم نمی‌یافتی چنین تو بی‌حساب
 کافران از کین بگفتند یاوه‌ها که خودت ساختی جمیع آیه‌ها
 بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ ۚ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ

﴿۴۹﴾

آری! هست آیات ما این‌سان مُبین بهر صاحب فکرت و عقل متین
 که بگیرند پند ز آن اندر جهان مُنکرش نیست جز گروه ظالمان
 وَقَالُوا لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَاتٌ مِّنْ رَبِّهِ ۖ قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ

از سر ریشخند گویند کافران که خدای این پیمبر در جهان
از چه رو اعجاز نمی‌آرد به کار در جواب گوی، ای گروه نابکار!
نزد ایزد هست جمیع معجزات هم اراده هست از او، از هر جهات
لیک رسول و ناصح من در جهان که همی هشدار دهم بر بندگان

أُولَٰئِكَ يَكْفِيهِمْ أَنَا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرَىٰ لِقَوْمٍ
يُؤْمِنُونَ

اینچنین اعجاز نباشد آشکار؟ که ز این قوم، بین مردم، کردگار
کرد نازل این همه آیات دین بر تو که امی بدی نیز همچنین
با فصاحت می‌کنی اینک بیان رحمتی باشد مبین بر مؤمنان

قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ شَهِيدًا ۖ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَالَّذِينَ آمَنُوا
بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوا بِاللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

گو به ایشان ای رسول! ذات اله هست کافی بین ما گردد گواه
آگه است او بر سماوات و زمین هر چه باشد در درون نیز اجمعین
آن کسان که رفته‌اند راه خطا همچنین کفران بورزند بر خدا
کَلِّهِمْ باشند زیانکار در جهان رفته در خسران مطلق بی‌کران

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ ۚ وَلَوْ لَا أَجَلٌ مُّسَمًّى لَّجَاءَهُمُ الْعَذَابُ وَلَيَأْتِيَنَّهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا
يَشْعُرُونَ

بر تو می‌گویند با تعجیل چنان کان عذاب بر ما بده اینک نشان
 گر نمی‌بود آن اجل روی حساب بی‌گمان اکنون، می‌دیدند عذاب
 آن عذاب وقتی رسد سروقتشان که نفهمند، چون بیاید ناگهان

يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ

﴿۵۴﴾

از تو می‌خواهند از روی شتاب که نشان ده آنچه گویی از عذاب
 گر چه می‌گردند محاط آن کافران در دل دوزخ به زجرهای گران
 يَوْمَ يَغْشَاهُمْ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُقُوا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

﴿۵۵﴾

هست عذاب از بهر اقوام پلید هم ز بالا هم ز پایین بس شدید
 هم ندایی بشنوند که برچشید زان همه اعمال بد که کرده‌اید
 يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةً فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ

﴿۵۶﴾

بندگان من! شما که با یقین صاحب ایمان بگشتید در زمین
 این زمینم هست پهناور همی پس مرا تنها نمایید بندگی
 كُلِّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ

﴿۵۷﴾

کلّ مخلوق در حیات و زندگی مرّه‌ی مرگ می‌چشند نیز جملگی
 سوی ما آیید در فرجام کار جملگی رجعت کنید بر کردگار
 وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
 خَالِدِينَ فِيهَا نِعَمَ أَجْرَ الْعَامِلِينَ

هر که ایمان او بداشته در جهان همچنین اعمال صالح کارشان
 غرفه‌هایی واصلند در جنتان که به زیرش نهرها گشته روان
 اندر آنجا نیز بمانند جاودان اجر ایزد هست نیکو این‌چنان

الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

پیروان حق سوی ربّ جهان جملگی صابر بوند در راهشان
 همچنین دارند توکل بر اله اتکا بر غیر ندارند هیچ‌گاه

وَكَأَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَّا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ ۚ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

هست کثیر جنبندگانی در جهان که ندارند کسبِ روزی را توان
 حق دهد روزی به آنها و شما هست سمیع و هم علیم، ذاتِ خدا

وَلَكِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لِيَقُولَنَّ اللَّهُ ۖ فَنُفِئَ
 يُؤْفَكُونَ

گر بررسی ای رسول! زان غافلین کی نموده خلق سماوات و زمین؟
 این‌چنین تسخیر کرده شمس و ماه در جواب گویند یقیناً هست اله
 پس چرا رو برکشندی از خدا راه کج در پیش گیرند از خطا؟

اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ ۚ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

حق گشاید رزق را بی‌کم و کاست بر گروهی بندگان که او بخواست
تنگ کند گاهی ولیکن رزقِ خویش حکمت او قبض و بسط آرد به پیش
هست دانا آن خداوند جهان بر هر آن چیزی که باشد در میان

وَلَكِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ ۚ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ

﴿۶۳﴾

گر که پرسى تو از این نابخردان چه کسى نازل کند آب ز آسمان؟
و کند زنده زمین را بعدِ مرگ تا برآید زان بسی شاخه و برگ
بازگویند که خداست بی‌گفتگو می‌دهد نظمى چنین او موبه‌مو
گو، سپاسش را بیارید پس به جا سوى رحمان، ذات یکتای خدا
آرى! اکثر مردمان لیک غافلند بی‌خرد بوده، زِ فکرت عاجزند

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ ۚ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

﴿۶۴﴾

نیست حیاتِ این جهانِ پُرفسون جز مگر لهو و لعب‌ها، گونه‌گون
دارِ دیگر که همان عقبی سراسر زندگی جاوید و در نزد خداست
گر بیاموزند از این پندِ گران آگهی یابند و فهمند مردمان

فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ

﴿۶۵﴾

تا به کشتی می‌شوند ایشان سوار یاد حق افتند به وقت اضطرار
با خلوص خوانند خدا را در بلا وقتی بینند که بگشتند مبتلا
پس چو برهاند خداوند از خطر از سوى امواج به ساحل مستقر
بازگردند سوى آن عاداتِ خویش بار دیگر شرک می‌آرند به پیش

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ وَلِيَتَمَتَّعُوا ۖ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ

﴿۶۶﴾

هر چه ما دادیم و گشتند بهره‌مند کفر ورزیدند به آن بس ناپسند
زود باشد که بفهمند جاهلان که چه‌ها کردند از جهلِ گران
أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيَتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ ۚ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ
اللَّهِ يَكْفُرُونَ

﴿۶۷﴾

هیچ ندیدند که به پا کردیم حرم؟ که بود آن شهر، امن و محترم
گر چه در پیرامنش آرند قتال بینشان باشد همی جنگ و جدال
پس سزد بیهوده را مؤمن شوند؟ و به نعمت‌های حق کفر آورند؟
وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ ۚ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى
لِّلْكَافِرِينَ

﴿۶۸﴾

کیست ظالم‌تر از آن که بر خدا؟ او ببندد بس دروغ و افترا
یا کند تکذیب، حق را از عناد منکر راستی شود آن بدنهاد
نیست دوزخ جایگاه کافران؟ مستحق بر آن نباشند جاودان؟

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا ۚ وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ

﴿۶۹﴾

آن کسانی که همی کوشش کنند تا که سوی ما رهی پیدا کنند
ما هدایت می‌کنیم آنها یقین تا بیابند راهِ ما را همچنین
حق بود با مُحسنین در طِیِّ راه بر نکوکاران کند یاریِ اله

